

اعـلان

انجمن ادبی کابل حاضر است باحضراتی که در مراکز و سایر یولایا داخله و خارجیه
اقامت داشته (و میایل باشند جزو اعضای افتخاری انجمن قرار گرفته ، و در راه معارف
عمومیه خدمات و کمک های علمی و ادبی نمایند) داخل مفاهمه گردد ؛ و حضرات میتوانند
کتاباً بانجمن مذاکره فرمایند .



پاد اوزی

حضراتیکه با اشتراک سال دوم مجله کابل متجایل باشند قبل
اختتام سال اول با ایستی ورقه اشتراک و رسید ماموضه قیمت سالانه
مجله را مدفتر انجمن ارسال فرمایند و الا مجلات سال دوم بخدمت
بضرات نخواهد رسید. (دفتر انجمن ادبی)



محل اسم من نرک



هدیه انجمن ادبی

مناسبت بهترین خدمات تاریخیه اعلیحضرت

تاجدار نامدار حقدار افغانستان

« محمد نادر شاه غازی »

یا

اولین روز آغاز دوره سعادت حقیقی ملک و ملت افغانستان

یعنی افتتاح مجلس مقدس شورای ملی

۲ صفر ۱۳۵۰ هـ ق = ۱۵ سرطان ۱۳۱۰ هـ ش = ۷ جولای ۱۹۳۱ میلادی

فهرست هندرجات

نمره	موضوع	نویسنده	صفحه
۱ -	افتتاحیه و تشکر	هیئت اداره	۱ الی ۶
۲ -	گزارشات روز افتتاح	سرور - گویا	۷ و ۸
۳ -	نطق اعیان حضرت فازی		۸ و ۱۸
۴ -	معروضه و کلای شورای ملی		۱۸ و ۲۳
۵ -	خطابه جمعیت العلماء		۲۳ و ۲۶
۶ -	استقبال شوراء	مستعی	۲۶ و ۲۹
۷ -	» »	سرور صبا	۲۹ و ۳۲
۸ -	شورا و بشر	احمد تاجمان معاون اشمن	۳۲ و ۳۶
۹ -	مرامنامه شورای ملی		۳۷ و ۴۳
۱۰ -	اسمای و کلای عترم شورای ملی		۴۳ و ۴۹



هدیهٔ انجمن ادبی

—•••••—

بمناسبت بهترین خدمات تا ریخیهٔ اعلیٰ حضرت تاجدار حقدار

و نامدار افغانستان

یا

اولین روز آغاز دورهٔ سعادت حقیقی ملک و ملت افغان

یعنی افتتاح مجلس مقدس شورای ملی

بشریت بحکم تکامل پیش می‌رود ، تجدد در زندگی ناپوس طبیعی است ،
 در طی این تکامل و تجدد ، نصب العین انسان وصول به سعادت زنده گی است .
 سعادت زنده گی عبارت است از آرامش روح و بدن ، که سلامت و سرور از
 آثار قیمتدار اوست . وصول سعادت بی زحمت صورت نمی‌دهد ، لهذا بشر قدم
 در طریق علوم و فنون نظری و عملی گذاشتند ، و کمر سعی و عمل مردانه به بستند
 حکم تکامل و مساعی انسانی واجب می‌شود ، مجامع بشریه بلااستثنا به
 نصب العین خویش یعنی سعادت حیات تر بیشتر گردند ولی متأسفانه هنوز
 مالی در عالم وجود دارند که کسی از مراحل خوشبختی ما دور تر افتاده ،
 بعضی بکلی در بادیهٔ سرد و گمراه گردیده‌اند . غایت سقیم ، نادر مساعی
 اینگونه ملت ها ، و تر بدن آرزوهای حقیقی شان غیر طبیعی و طاری است .
 این علت عسارت از یکجملهٔ عملی است . شمسیت که از منبع عدم اعتدال

اخلاق نسبت کرده ، و بسکلی سد سدیدي در مقابل جريان قانون تکامل و مساعي حسنه بشريه مي استند .

این سدی که شهوات نفسیه و غصبات سبعیه ایجاد میکند ، در دایره زندگی اجتماعی ولوله برپا ، و در عین زمان موازنه و اعتدال طبیعی حیات را متزلزل میسازد این لرزل زنده گی میدان حرب شهوات و غصبات را بنام تجاوزات و مدافعات بشري آماده کرده ؛ و ازینجاست که انقلابات خونین و گرفتاریهای سنگین مالی آغاز و عصرها دوام میکند .

این انقلابات و گرفتاریها فرصت تقدم را ، راه تکامل ، از مال جمع ازمه مسلوب مینماید ، خوانند گفت انقلابات گاهی در سه علت حرکت جانبی ، منزل مقصود کمک مینماید ، گوئیم چنین باشد ، ولی مطالب ما در اینجا از اصل و مانده انقلابات است که فی حد ذاته ناشی از عدم توازن امور اجتماع و مانع تمام طبیعی حیات است . بعلاوه اگر انقلابات مسبب تقدم و تکامل جوامع بشريه شمرده شدی ، پس واجب شدی در نس هر انقلاب انقلابی بودی ، و عمر بشر بنام تقدم معروف انقلابات سلسله گردیدی .

جلو گیری از سیلابهای خائمان خراب کن انقلابات بشري ، یعنی عدم توازن امور اجتماعی ، وابسته تدابیری است که عقول بزرگت و تیمارپ خندین قرنه نوع بشر ، تعیین و انتخاب کرده اند . اس اساس اینهمه تدابیری که گوئیم ترحیم افکار ملت است در داریان زاده ، اول ، با کمال تقرب و محبت آرا ، خط خطی مکتوبه ، مذاکره ، روزنامه ، تمام زحمت و کوشش در بر دزد ، به بد زدن ، پسر منزل مقصود اجتماعی است ، چه بیکه هیچ و هیچی نیست ، اما در یک سر راه تقدم گوئیم ، و اگر مایل ، چه در این ، از انقلابات عمده به از

می‌رود ، ازان بعد است که فئاق و اختلاف افکار ، که عنان ظهور اغتشاش و انقلابات داخلیة يك مملكت است ، رخت سفر جانب دیار نیتتی می‌بندد .
 در ظهور این تدبیر بزرگت یعنی توحید افکار جامعه از همه اول و اعلی تر هدایات جلیله الهیه است جل مجده که توسط آیات پینات قرآن کریم به پیروان دین متین اسلام بنام آیه مقدسه شورا نازل گردیده است . سیر در تاریخهای ممالک اسلام بمالشان میدهد ، که پیروی باین هدایات جلیله حکومت های اولیه اسلام را به ذرود اعتلا و ترقی مادیه و معنویه واصل نمود ، و بالعکس تمرد ازان اسباب سرنگونی های تلافی ناپذیری گردید ، هکذا رموز مهم تفوق و ترقی عالم مغرب زمین را در رعایت از همین هدایات می‌یابیم .

اما افغانستان از عرصه های دراز نیست با وجود استعداد در تکمیل این هدایات مقدسه و تدبیر عظیم ، و با موجودیت عملی آن در اقوام متعدد افغان بنام جرگه های قومی ، بدبختانه از فیض این نعمت باقیمت بصورت عمومی محروم مانده است ؛ بلکه جرگه ها و شوراهای داخلی اقوام متعدد افغانستان ، افکار عمومی ملت را در مسایل اجتماعی ، بدسته های مختلفه تقسیم ، و گاهی بمقابل هم دیگر استعمال کرده است ، و ازان راه در انقلابات داخلیه ناپاید نموده است .

این ملت از مدتهاست محتاج بیک قوت مقدس اداری بود ، که بتواند شورا های مختلفه بین الاقوام افغانستان را ، در یک مرکز عمومی جمع ، و وسائل توحید افکار و نصب العین جامعه را فراهم سازد . تاریخ دیا سطربرد قرعه این حال مبارک بنام نامی کدام مرد ورق الماده افردن خواهد افتاد ، بدبختانه شورا های حکومت گذشته که در زیر پرده های انبساط و بطانی العانی مستور بودند نه آنکه از مدوای درد های اجتماعی ملت عاجز شدند ، بلکه برآفتاب و اختلاف

افکار و آرای عمومی افغانستان میفرودند ، تا آنکه تصادم افکار اسباب انقلاب
ساکت گردید .

درست است که ممالک : در انقلابات گذشته خود نگفته بود که بشورای میخواهد ،
فقط از دردهای که برخلاف عواطف باطنیه شان احساس میشود مینالیند . ولی باید
فهمید ملت ها از نقطه نظر عوام الناس ، همیشه طالب يك سعادت در حیات میباشد
که نام آنرا فراموش کرده اند ، حتی شکل عملی ، برای حصول این سعادت نیز
از نظرشان مستور است ، گویا کم کرده میجویند که نمیدانند کجاست و چه
نامدارد . لهذا هر وقت زمامدار ویاسر بر آورده ، دردهای موجوده شان را
شمرده ، و نقشه جدیدی در حیات آنها نشان داد ، ملت بگمان آنکه از نصب العین
باطنی خود ها خبری ندیده اند ، با رغبت تمام از گوینده استقبال نمودند . ولی
در عمل چون آن نقشه ها را برخلاف تمایلات خود ها احساس کردند ، دوباره
اظهارالم نمودند ، و از نیجاست که تا کامیابهای قاندين ملی شروع میشود ، چه هنوز
در تشخیص مرض و تبیین آرزوی باطنی ملت مشتبّه بوده اند ، ازین رو میتوان گفت
علت عمده انقلابات گذشته نبودن شورای صحیح بوده است .

دوره های این گونه انقلابات ، وندم توازن امور اجتماعی ملت ها ، نظر بکلی
وزمان و تراکم حوادث عالم ، مختلف و کم و زیاد است ، گاهی ماتی در صدها
سال نمیتواند آرین فلاکت و بمران ها تنامس گریبان نماید و گاهی ماتی در کمتر
از چندین سالیانی ، در اثر يك تصادف نیک و و بارکی ، موافق آرزوهای باطنی
خوبی ، به تبیین درد و اندحاب مداوا آشنا میگردد .

این تصادف حتمه در ملت های خوب بنده ، در ظاهر و يك درد ناانگه و ناموای
نحلی میکنند ، همیشه به شمیم الهیه او را مویا و برای نجات از بدبختی ها ، و تبیل

بسعادت زندگانی يك ملت ، مامور و موفق میگردداند . ظهور این مردان نامی در ملت ها ، در قرنها گاهی و آنهم بشکل نادری صورت میگیرد . این نوابغ در انظار عالم منزلی مخصوص و شائسته دارند ، ملت ها و تاریخهای جهان آنها را فراموش نمی کنند ، تکافات این مردان نامی نه در فرصت های حیات ، بلکه بعد از ممات بیشتر ظاهر و آشکارا میگردد ، یادگار تاریخی آنها تا بهابد تذکار و کارنامه های درخشان ایشان باقی و پایدار میباشد .

خدای را شکر است که وطن عزیز ما افغانستان نیز ، در تاریخترین مواضع همیشه باران فیاض الهیه ، نوابغی بهم رسانده است که سر رشته گسسته امور اجتماعی را بهم پیوند ، و وجودیت ملی را از خطر فنا و اضمحلال رها نموده است . از آن جمله است شهریار عاقل و ناجدار حساس و سیاس افغانستان اعلیحضرت محمد نادر شاه غازی که امروز قامت مردانه گی در وسط آسیا علم ، و برق مجاهدت فی سبیل الله را ، در راه اعتلای حقیقی و مدنیت صحیح ملت افغان برافراشته اند ، و اینک می بینیم که بعد از سرور دهوری ، در مملکت ما احیای سنت سنیه نبویه شده ، و دولت شورائی اعلام و اعلان میگردد : (وقارین محترم گذارش افتتاح این روز تاریخی را در ذیل مطالعه بنمایند) .

واقعاً امروز روزیست که عموم ملت و طبقات با اطلاع وطن ، از کرب مسرت و انبساط ، سر از پا نشناسند ، و بیک مستقبل درخشان و سعادت مندی منتظر و امید وار گردند . امروز روزیست که ، پیران و جوانان مملکت ، بانعام صداقت و فداکاری ، اغراض شخصیه را فدای ناموس وطن ، و خدمت پادشاه عزیز خود نموده ، و بانعام موجودیت ، در راه پیشرفت و تقدم نیات و خیالات وطن پرستانه پادشاه و پدر ، مهربان مان بهوشند .

وکلای محترم بسیار سعادت مند هستند که ، متدراث زنده گی در مایون نفوس افغانستان را ، در دورهٔ رافت و عطاوقت - چنین شهریار عدالت کرداری ، در کف اقتدار گرفته اند ، و یقین است که در سایهٔ عدالت شهر یاری ، یابنهای و ظائف حقهٔ خویش ، نائل و کامیاب شمرده میگردند .

کارکنان انجمن ادبی و مجلهٔ کابل ، بهترین و خالص ترین نخبان و ادبیهٔ ملی خویش را ، بحضور اقدس پادشاه نامی و نحاسی ماسکت ، سر بی و مروج مهارف و مدنیت ، اعلیحضرت نادرشاه غازی تقدیم نموده و میگویند :-

اعلیحضرتنا ! خدمات برجستهٔ تاریخیهٔ شما ، در صفحات تاریخ وطن ، بمشابه ستاره‌های تابندهٔ هستند که ، در شبهای تیره و تاریک آسمان میدرخشند ، و در بین این ستارگان روشن ، مجاهدت های مقدس و عالی ترین شما که عبارت است ، از فتوحات نمایان در جهاد استقلال ، و حصول اقتدارات افغانستان ، و تاسیس مجلس مقدس شورای ملی ، مانند بدره‌های شمشیر پان نور افشایی میکنند .

اعلیحضرتنا ! مکافات اینهمه خدمات شامدار وطن پرستانهٔ شما ، در حضور يك چند مقالات شاعرانه ، و یا يك عدد نطق های ناطقین زنده‌بنا ، گاهی ادا و بجا شده نمیتواند .

مکافات خدمات مقدس شما را ، تاریخ ملت در امتحان آینده ، بیجا خواهد داد و نسل آتیهٔ وطن ، ترانه های افتخار شما را ترنم خواهند نمود . از همه بهتر و خوشتر در عالم آخرت ، خدای عادل و کریم ، اجر بر معات و پادشاهان شما را ، در راه سعادت يك مانند شما و انبیا پیروان در آید .

پس بهتر است ما اتفاقاً صدا کنیم زنده باد نام نامی تاریخی بهترین پادشاه افغانستان اعلیحضرت نادر شاه غازی .

گزارشات روز افتتاح مجلس شورای ملی

روز یکشنبه بحسب اطلاع و اخبارهای که از مقام منبع صدارت عظمی نشر گردیده و مزده افتتاح مجلس عالی شورای ملی را پار اول در مرکز برای اهالی بشارت می نمود ، در روز دوشنبه که یکروز مسعودی بود هر کس بایک مسرت و ذوق از خانه ها بیرون آمده مخصوصاً قسمتی از اهالی که علاقه مند و از مدتها بانتظار بودند در ساعت نزدیک افتتاح بجاده ها و راهها عازم مجلس و بشوق و شطارت تمام می شتافتند عبور و مرور موترها و گادی ها مخصوصاً قسمت پیشروی عمارت مجلس ملی را بر نموده بودند .

ساعت نه و نیم در عین وارد عمارت مجلس عالی شورای ملی گردیدند اهالی وکلان شوندهگان و کلانتران و صنوف مامورین و رجال بزرگ ، صف بصف در موقع های مخصوص خود نشسته ، منتظر بودند ساعت ۱۵ و ۹ موترهای سفرا و هیئت کور دیپلماتیک یگان یگان وارد گردیده و تقریباً در همین دقائق وزراء و هیئت کابینه هم در موقع خود جا گزین گردیدند .

تمام ساعت ۱۰ به اشاره و اعلان وزیر صاحب دربار و آهنگک موزیک رسم تعظیم شاهي و ورود شاهانه را بشارت میداد تا اینکه حضور اعلیحضرت هایونی داخل تالار بزرگ مجلس گردیده و از طرف عموم حضار باقیام استقبال گردیدند پس از آن اعلیحضرت در موقع بیست و نهمین سالگرد تاجگذاری و کور دیپلماتیک نموده ، با اقبال شایسته از طرف مجلس را از ایراد فرمودند که شنیدن آن به تمام حضار يك جوش و رقت و ابدی بخشید ، سپس جناب عبدالحق خان و کیلی هجرت اطفی شاهانه ۱۰ بجاده خلی معتری از طرف ملت استقبال نمود ،

بمد ازان جناب مولوی محمد ابراهیم خان کاموی به نمایندگی جمیت علمای عظام
 لایحه خود را با آواز و لهجه خیلی جدی و فصیح قرائت کرد .
 در آخر حضور شاهانه با کلمات شیرین و مؤثر و کلارا خطاب فرموده
 مختصراً به بیانات خیلی حکیمانه راجع بامید و ازیهای آتیہ ارشاد و در آخر بدعی
 موفقیت ملت و دولت مجلس را خاتمه بخشیدند .

عیناً نطق اعلیحضرت غازی

به تقرب افتتاح شورای ملی

این مجلس شورای اسلامی را بنام خدای قادر توانا که بخت‌اینده سعادت دنیا
 و آخرت است افتتاح میکنم و از بارگاہ ایزد متعال برای حکومت و ملت افغانستان
 توفیق میخواهم که بسایه شریفة مطهره حضرت محمد علیه الصلوٰة والسلام باین
 خاک پاک اسلام خدمات برگزیده ابراز کنند و بار دیگر در اعلائی کلمة الله و ترقی
 و تعالی افغانستان موفقیت و کامیابی جاوید حاصل نمایند .

عزیزان من ! لله الحمد که بار دیگر افغانستان را از مصائب و نوائب نفاق و
 خانه جنگیها مصئون و مامون می بینم ! و بخاطر آسوده و دل پراز امید شروع
 به تاسیس این موسسه شورای ملی می نمایم ، میخواهم معنی شورای ملی را بشما شرح
 کنم الحمد لله همه دوشیا مسلمان هستیم ، شروع اساس کارهای ماست ، با بحکم
 قرآن عظیم الشان (و مشاورهم فی الامر فذاعزمت فتوکل علی الله) مشوره کردن
 مکلف بودیم و هستیم و خواهیم بود حضرت محمد علیه الصلوٰة والسلام در جمل

مسائل مشوره میفرمودند! خلفای راشدین رضی الله تعالی عنهم بمشوره همکار میکردند خلفای بنی امیه نیز مشوره می فرمودند! لیکن خلفای بنی عباس مشوره را اساس مبنی برای پیش برد امور قرار دادند و کلای ملت به دربار خلفای عباسیه حاضر می بودند و حکومت تمام کارها را با وکلای ملت مشوره میکرد. بعد از خلفای عباسیه سلاطین اسلام مشوره را منافی قوت و اقتدار خود دیده باین اساس ترقی و تعالی که توجیه نمودند بنا برین خبی دوره های انقراض و تغییر و تبدل در عالم اسلام واقف شد!

در افغانستان مشوره از قرنهای میدی باینطرف دوام میکند چنانچه جرگه افغانها را حاکم عادل ملت افغانستان گفته می توانیم برای ماملت مشوره چیز نو نیست سلاطین گذشته اگر بمشوره ملت کار نکرده باشند لیکن ملت در قبائل و عشائر خودش جرگه خود شانرا تا امروز متروک قرار نداده اند و حکم جرگه در قبائل و عشائر نافذ است امان الله خان شورای دولت تشکیل کرد و کلای ملت بمركز حاضر شدند لیکن آن شورا یا جرگه افغانستان مفید ثابت نشد!

خیر! او خدا میخواهم که باریگر آنچنان واقعات سیاه در افغانستان روند و این موسسه «شورای ملی» ماوشمارا موقع و فرصت و درایت عنایت فرماید که تمام موجبات شکایات را از بین ملت و حکومت رفع نماییم تا ملت برغم سابق حکومت خویش را از ملت و خادم بهبود و ترقی کار نمائکت بداند! «شورای ملی» امروز مثل شورا های سائر ملل که بمروایام ترقی و اصلاحات بخود حاصل کرده بک نمونه ترقی شورا های سابقه ماست اگر چه ملت تا امروز اینطور بک چیزی را خواهش نکرده لیکن چون من «شورای ملی» را اساس ترقی و وسیله مخصوص

اصلاح مملکت میدانستم و میدانم روز اول در « خط ملی » خود اعلان کرده‌ام
 شکر الله که درین فرصت پر امن افغانستان بافتتاح آن موفق شدم و قتیکه شما کتابچه
 حقوق « شورای ملی » را مطالعه کنید واقف میشوید که « شورای ملی » امروز
 باشوراها و جرگه های بیشتر چه فرق دارد اگر شما حقوق خویش را صحیح استعمال
 کنید و همیشه رفتار و روش حکومت را مراقب باشید و برای اصلاحات همیشه
 - بی بلیغ بفرمائید « شورای ملی » افغانستان بانی امنیت و مؤسس ترقی و تعالی
 مملکت خواهد شد و بامید خدای عز و جل خانه جنگیها و نفاق و شقاق برای همیشه
 ازین وطن معزوم خواهد گشت ! مسائل شخصی باعث زوال و اضلال این
 سلطنت اسلامی نخواهد شد ! همه وقت این ملت آسوده خواهد ماند ! تغییر
 و تبدیل سلطنت سبب استیصال ریشه های ترقی و تعالی ملک و ملت شده نخواهد
 توانست ! به اشقیا نوبت حکمرانی نخواهد رسید ! همیشه زمانداران از یک و حکام
 صادق و محسن ملک و ملت در خدمت افغانستان انتخاب و مشغول خواهند شد !
 استبداد بدعت رستی و رشوت ستانی یک قبیله در قاعه و این مملکت و نمسا
 نخواهد گردید !

گفته میتوام وزیر و کلای ملت در « شورای ملی » حقوق خویش را
 شناختند و خیر و شر را از روی مفاد عمومی انباز کردند و اعتراض و تفرقه
 از میان روع شد از همان روز دور سعادت افغانستان آغاز خواهد کرد من از خدا
 عسالت دارم آن روز سعادت وطن عزیز ما و شما همین روز اول افتتح شورای ملی
 باشد خدا قادر است رحیم است کریم است همانطوریکه افغانستان را با بفرست
 کم از یک انقلاب خواه برانداز محراب داد و بجات افغانستان انانت، عزت و توانائی
 و اتحاد سر از نو بخشید، از درگاه بخشناس ایزدی مایوس نیستم و امید واقع دارم

حکمه انقلاب گذشته آخرین دور فترت و نکیت ماملت حساب خواهد
وانشاء الله تعالی برای همیشه حاقه یافت و این روز افتتاح « شورای ملی » روز
اول دور سعادت افغانستان خواهد بود که تا ابد دوام خواهد کرد !
وکلای محترم ملت ! ما یوس تپاشید ، اینچنین ادوار ظلمت را که ما و شما
گذرانیدیم تاریخ ملل عالم در حیات سائر ملل دنیا نشان میدهد بعد از هر سختی
آسانی است و بس از هر تنزل ارتقا و استلا آمدنی است بشرطیکه بندگان خدا
ارجاه حقیقت و انسانیت منحرف نسوند و عیب را هنر و اسباب تنزل را
وسیله ترقی نسانند .

فرزندان و برادران عزیز من ! آنچه از اجرا آت این دوره را میخواهم
خود من بشما بیان کنم سیاست خارجی امروزه افغانستان است ، تا شما از سیاست
خارجی حکومت امروزه خود خوبتر واقف و مسبق شوید باقی مسائل را که
در ظرف یکنیم سال و چند ماه شده صدر اعظم صاحب و وزراء ، بتعمل خواهند
داد میخواهم از ابتدای ورود خود بچاک یاك افغانستان تا امروز آنچه با دول
متحابه معامله و مکاتبه کرده ام بشما اظهار کنم تا بر سیاست خارجی من
پوشیده نماید .

وقتی که من در حاکم افغانستان قدم گذاشتم خودم و شاه و ایمخان ، و شاه محمود
خان را در سمت جنونی و محمد هاتم خان و محمد گلخان را در سمت مشرفی تعیین
نمودم ؛ درین موقع در سمت جنونی آثار نفوذ سقویان ظاهر بود و هیچ کس
حکومت سقوی را وقع و اعتبار نمیداد اما همینکه امنیته خذ در حدود قلات
و مقر باعسا کر قندهار نمودار شد و دوباره شرم استیلای کاب را باضراف و
اکتاف مشتهر گردانید اهالی سمت جنونی قدری نرزد شدند ، گمن کردند

که من، برادران خود بطرفداری امان الله خان خدمت میکنم هر چند زیاد وانمود
 کردم که مطلب من شخصیت هیچ کسی نیست حتی خود من و برادران من برای
 اثبات شخصیت خود نیامده ایم ما میخواهیم در افغانستان امنیت قائم شود و خانه
 جنگی از میان رفع گردد و هر شخصی را که تمام قوم و ملت افغانستان به پادشاهی
 انتخاب کنند همان شخص پادشاه شود. اما با آنهمه اصرار من اهالی سمت جنوبی
 باظهار من متردد بودند مطمئن نشدند چه من مجبور بودم که اعلان پادشاهی خود را
 بدون اعتراف و تصویب تمام اهالی افغانستان رد کنم!

هر چند در مواقع بزرگ و در اوقات ظهور ناکامی و شکست این مطلب را
 بمن تکلیف می نمودند من نسبت بنام پادشاهی بنام خدای توانا توکل میکردم
 و سربانی و لطم کردگار را بر امدادیکه از نام پادشاهی بمن وانمود می شد
 مرجع میدانم و میدانستم تا اینکه در اکثر طبعات اهالی سمت جنوبی نشئت افکار
 تواید شد و سقویان در سمت جنوبی فدرت کامله یافتند گردیز و اکثر حصص
 خوست و ارگون و غیره جاهارا استیلا نمودند من درینوقت اراده کردم تا از
 اقوام افغانه سرحد آزاد استمداد کنم میخواستم از قوم ارگزائی استعانت نمایم
 درینوقت راه مواصات من و ارگزائی ها در دست انگریزها بود بواسطه حاجی
 محمد اکبر خان باحکومت انگلیز داخل مذاکره شدم حکومت برطانیایا مواصت
 نکرد و عنذر غیرجانبداری را پیش کرده راه دادن ارگزائی را منافی احلان غیر
 جانبداری خود وانمود کرد و بهمین مضمون بمن نامه حکومت بریطانیایا رسید
 که این نامه تا هنوز موجود است با اینهمه مایوس نشدم و دست از کار نکشیدم
 قوم باغیرت حاجی و هم یک حصه منگال و احمدزائی در دست من بود بالاخر واصله
 کردیم که از قوم وزیر که برای امداد من و نجات افغانستان کمر همت بسته بودند

و غیرت اسلامی و افغانی آنها بجهوش بود استمداد کرده شود وزیرها دعوت مرا پذیرفتند و به حضورم حاضر شدند دولت بریطانیا بر این مسئله بیشتر بامن درستی کرد به حاجی میرزا محمد اکبرخان برین مسئله بسیار اصرار نمود که باید وزیرها را از حاجی به وزیرستان خارج کنم و وایس بفرستم ! و هم اعلانات و مکتوبات خود را اسبی اهالی قندهار و اقوام قبائل آنولا بواسطه عبدالغنی خان اراده چن فرستاده بودم آن همه دعوت نامه های من با اقوام قندهار و اچکزائی های غیرت مند رسید اما خود عبدالغنی خانرا حکومت هند مانع شد و انستاد سخت برای پیشرفت او نمود و او را در قندهار نگذاشت هانت ~~که~~ بمجرد گرفت اعلانات من اقوام و قبائل ولایت قندهار قیام نمودند و عرائض خوشوقت گردیدن شان نسبت به مجاهدات من و آماده گی شان در مقابل سقویان و اظهار استعداد شان باجرای اوامر من بسمت جنوبی برام رسید ؛ باوجود آن همه اعتراضات دولت انگلیس همیشه حاجی میرزا محمد اکبرخان را برای اظهار دلائل عدم امکان وایس فرستادن وزیرها به پاره چنار فرستادم من ، شاه ولیخان و شاه محمودخان و محمد گل خان را با دگر سر کرده های اقوام و وزیرها و یک عده حاجی و منگل و احمدرائی و جدران و طوطاخیل و گردیزی برای محاربه کابل و لاهور گرد اعزام نمودم هنوز دولت برطانیه بر دلائل عدم امکان وایس فرستادن وزیرها قانع نشده بود که خبر فتح کابل رسید خلاصه قبل از فتح کابل بن من و دولت بریطانیا بر مسئله مشارکت وزیرها خیلی تیره گی و پیچیدگی موجود بود من بحکم تقدیر مجبور بودم که اره قوم و قبیله افغان که امداد گرفته میتوانستم تثبیت میکردم از من وزندگانی بجز نیم نفس چیزی باقی نمانده بود تهدید دولت برطانیای نسبت به مشارکت وزیرها و هم مظالم سقویان در نظر من اهمیت نداشت

زیرا عرصهٔ حیات بر من تنگ شده بود، من حیات با شرف یا مرگت خود
و خاندان خود را تصمیم کرده بودم، اهل غرض بعد از فتح کابل پرو پاغند
میکردند که گریا مرا در موقعی که در سمت جنوبی بودم دولت برطانیا امداد
داده است و من بدولت انگلیز امتیازاتی داده ام، من امروز بحضور شما و کلابی
ملت اعلان مینمایم که من بجز فضل و رحمت خدای قادر مطلق و قدا کاری اهالی
افغانستان بامداد هیچکدام دولت اجنبی کابل را فتح نکرده ام، موفقیت من
در نجات وطن بفضل خاص الهی و همت و غیرت عموم ملت افغانستان بعمل
آمده است.

آن اشخاص و اقوامی که با حکومت امانیه مخالفت داشتند و هم چنین آن
وزراء و مورین و عسکر و روحانیون؛ و اعزّهٔ ملت صحت با اعمال ضرر افزای
شخص اردن الله خان موافقت نداشتند، مسلم است که این عدم توافقی آنها با او
برای خیر وطن و سعادت ملت بوده میخواهند که او را از آن حرکات نامعاقبت
اندیشانهٔ شهرت پندانه شس باز دارند که در آن ابتدا لحاظ جذبات ملی و مذهبی
کرده نمی شد، چنانچه به مشاورهٔ چند نفر اشخاص کوناہ بین، ملت را از خود
متفر و اثر و روح همه خدمتگاران وطن را که در موقع مخالفت برای خیرجامه
باید خدمت میکردند، دور نمود.

عزیزان من! بنده خیلی متأثر شدم و فتیحه که یاره سرای مغربین را شنیدم،
سیاست من در افغانستان سروراز ندارد سیاست من در افغانستان سیاست
آشکارا است من میخواهم هر چیزی را بشما واضح کنم تا شما ار هر چیز واقف
باشید و به کارهای خود بدانید.

و فتیحه من در کابل رسیدم و شما ملت باصرار و تا کید مرا پادشاه افغانستان

انتخاب گردید وزارت خارجه فوراً تمام دنیا اعلان کرد بحجواب اعلان وزارت خارجه از همه دول متحابه تبریک و شنوائی حکومت حاضره اعتراف و اعلان شد سفیر کبیر دولت علیه ترکیه در کابل تشریف داشت و سفیر کبیر دولت بهبه شوروی نیز از همه اولتر بکابل رسید دول متحابه یکی بعد دیگری سفر او نمایندگانی خود شان را بدر بار افغانستان فرستادند . من بنا بر اصول و قواعد بین المللی تمام معاهداتی را که حکومت سابقه با دول متحابه عقد کرده بود ، تصدیق کردم دیگر هیچ معاهده سری و عانی ننموده ام

البته سال گذشته بعضی از دول بما امداد کردند ، چنانچه حکومت بهبه برطانیا بدون کدام شرایط با افغانستان امداد کرد ، این امداد عبارت است از يك لک و هفتاد و پنج هزار پوند قرض بلا سود ، و ده هزار تفنگ و پنج لک کارطوس ، و چون این امداد مبرا از هر گونه آلايشات سری و عانی است ، و بدون شرایط است من به ممنونیت قبول کرده ام ، امان الله خان هم موترها و سیم های تلگراف و غیره اشیاء را از دولت برطانیا قبول کرده بود ، و در جنگ ملا عبداللہ پنجهزار تفنگ و کارطوس از حکومت هند گرفته است . که این مسایل تا امروز اعلان نشده بود ، و هم در وقتیکه امان الله خان در لندن بود ، از طرف دولت برطانیا مبلغ نقد و ده هزار تفنگ و بعضی اروات دیگر هدیه شده بود ، و امان الله خان آن هدیه دولت برطانیا را قبول کرده بود ، من در سیاست خارجی آنچه کرده ام واضح می گویم ، و بشما خاطر جمعی میدهم که حکومت من تا امروز امتیاز و حقوق هیچ دولت نداده است و تا من زنده ام انشاء الله بquam من اینطور چیزی امضاء نخواهد شد . من قطعاً در سیاست خارجی افغانستان سروراز نمی شوام داشته باشم ، و هم حکومت و ملت خود را توصیه

میکنم . که موقعیت جغرافیائی افغانستان هیچ گاه سیاستهای سری را تحمل
 ندارد ، از سیاستهای سری باید همیشه پرهیز کنیم .
 بغیر ازین اسلحه ~~که~~ دولت بریطانیا با امداد کرد ماهیچه هزار تفنگ
 و یک کروور و هشتاد لک کار توس از فرانسه قرار داد و خریداری کردیم ،
 که از آن جمله قیمت ۹ هزار آن نقد پرداخته شده است ، و باقی را هم بمرور ايام
 می پردازیم دولت المان هم باین وضعیت دوستانه نمود ، چنانچه باقی ماده ~~بنا~~
 قرض را که با مان الله خان داده بود باینجا تسلیم کرد و اقساط تادیه قرض را از شش
 سال بهشت سال تمدید نمود . دولت المان پنج هزار تفنگ و پنجاه لک کارطوس
 با امداد و قیمت آنرا هم همان قرضه که بهشت سال ادا می شود ، قبول کرد ،
 در همین اوقات قریب پنج هزار تفنگ و پنجاه لک کارطوس علاوه برین اسلحه
 که شرح داده ام از انگلستان خریداری نمودیم ، بول اراغه تادیه کردیم .
 همچنان از دیگر دول متحابه برای افغانستان اسلحه باقیات مناسب خریداری
 کرده ایم ، معاهداتی که جدید عقد شده و در تصرف ما می باشد دست ما است
 یا بمذاکرات آن داخل شده و می شویم .
 معاهده جاپان و افغانستان عقد شده است و در شرف تصویب است .
 غیر جانبداری افغانستان و حکومت شوروی روسیه سرار برقرار شده است .
 موافقه کبیرهای سرحدی بین افغانستان و ایران عقد شده است .
 به معاهده تجارتي افغانستان و دولت شوروی روسیه داخل ما ~~معاهده~~
 می شویم .
 در موافقه تبادل بست با دولت روسیه داخل مذکور میشود .
 معاهده افغانستان و دولت عالیته جبار ، تقریباً ~~تقریباً~~ می ~~باشد~~ .

خلاصه آنچه شده و میشود همه را بشما وا نمود کردم ، و بار دیگر میخواهم بشما ظاهر کنم که مفیدترین سیاستیکه در افغانستان تصور میشود ، و من همیشه دوام آن را توصیه میکنم ، این است که باید افغانستان بیطرف باشد و با همسایه های خود و تمام دول متحابه روش و سلوک خوبیکه منافی مفاد افغانستان نباشد اجرا کند و همسایه های خود را عملی یقین بدهد که افغانستان موازنه جابین را کامل محافظه نموده روش دوستانه مساویانه با همسایه های خود دارد و خواهند داشت و همین روش افغانستان برای خود افغانستان و برای همسایه های افغانستان مفیدترین است .

راجع باقوام سرحد آزاد : این مسئله تا گفته نماند که مسئله سرحد آزاد یک مسئله معنی بهای سیاست افغانستان و دولت بریطانیا است افغانستان راجع بسلوك و روش باهمی اقوام سرحد و حکومت هنداز اندیشه فارغ نیست میتوانم بگویم اقوام سرحد و ما از حیث مسلمانی و قومیت یک چیز هستیم دولت بریطانیا شاید این همدردی اقوام سرحد و با افغانستان و از افغانستان را بسرحد از سالهای دراز تجربه و مشاهده کرده است ما بهیچ وجه ازین همدردی انکار کرده نمیتوانیم چرا پریشانی اقوام سرحد آزاد در افغانستان بالضرور اثر می اندازد ازین رو سعادت و رفاهیت اقوام سرحد آزاد همه وقت آرزو و خواهش ماست و کلای محترم ! این است سیاست امروزه حکومت شما که برای ما شرح کردم تا شما بی کم و کاست از حقایق واقف باشید ، و در کار همدردی شوید هر مسئله را خوب بسنجید و فیصله کنید بی پروائی در امور مملکت گناه عظیم است شما مقدرات یک ملت بزرگ را درین مجلس فیصله میکنید سهو و خطای شما سهو و خطای شخصی شما حساب نخواهد شد خساره آن یک ملت و یک مملکت

بقرض با که پسران الله خان داده بود بجا تسلیم کرد و اقساط قادیه قرض را از هشت سال بهشت به سال تمدید نمود . دولت المان پنجهزار تفنگ و پنجاه لك کارطوس بآداد و قیمت آنرا هم بهمان قرضه که هشت سال ادا می شود ، قبول کرد ، در همین اوقات قریب پنجهزار تفنگ و پنجاه لك کارطوس علاوه بر این اسلحه که شرح داده ام از انگلستان خریداری نمودیم و بول آرا نقد قادیه کردیم . همچنان از دیگر دول متحابه برای افغانستان اسلحه با قیمت مناسب خریداری کرده ایم ، معاهداتی که جدید عقد شده و در شرف تعاطی و سر دست ماست یا مبادا کرات آن داخل شده و می شویم .

معاهدهٔ جاپان و افغانستان عقد شده است و در شرف تعاطی است . معاهدهٔ غیر جانبداری افغانستان و حکومت شوروی روسیه سراز نو عقد شده است . موافقهٔ کیسره های سرحدی بین افغانستان و ایران عقد شده است . معاهدهٔ تجارتنی افغانستان و دولت شوروی روسیه داخل مبادا مکره می شویم .

در موافقهٔ تبادلۀ پست بادولت روسیه داخل مبادا کرده بشویم . معاهدهٔ افغانستان و دولت علیهٔ حجاز عنقرب نحت مبادا کرده می آید .

دل های پخته خود میبرد و را نیم ما ملت واضح میگوئیم که هر ملت باین اعرید زمام
 بیایم نمود و بدست حکومت خود میسپارد که شاید بر حال زار و نزار مملکت
 ترحم می نمود و با اختیاران بیات و محنت آن ملت را سوء استعمال نمی کند و
 آن قوم را براه ها و روش های غلط به مصائب و نوائب روزگار مبتلا نمی سازد
 و با اختیار حال و جان ملت را به اشخاص دون همت شکم پرست نمی سپارد بدیانت
 و اخلاق اسلامی آن ملت مداخلت های بی جا نمی کند ، خلاصه باعث نفسانی
 و شقاق و خانه جنگی نمی شود !

هزا و الهوس که در عصر گذشته باین عقیده و آمل ما بکلی مخالفت شد
 و برعکس آرزو و امید ما و رفتار کردند ، بالاخره آنچه نمی خواستیم تا خواسته
 واقع شد ، خانه و آبادی ما را آتش گرفت ؛ سرمایه نقد و جنس ما تاراج
 و بر باد شد ؛ امنیت از سر تا سر مملکت منقود گردید ، دزدان غاصب روی کار
 شدند و بقتل پیر و جوان وطن اقدام نمودند اهل و اولاد ملت در مخاطرات
 و تهاکه ها سردچار شدند ؛ نزدیک بود شجاعت تاریخی ما ملت افغانستان که بنام
 دنیا ظاهر و ثابت است لکه دار و اسنمزال افغانستان که به مهرمانی خداوند وفا
 کاری اعلی حضرتب شما حاصل شده است از ناعاقبت اندیشهای عصر گذشته
 قریب زوال رسیده بود که خدای قادر توانا این دولت اسلامی را دوباره بنام
 مای شما احیا فرمود و اعلی حضرت شما را بسر وقت ما ملت رسانید و وطن عزیز
 ما را از انجای ابدی نجات داد .

اعلی حضرت تا اسما و برادرهای فدا کار و سادی ما را مانند پیغمبری شناخته ایم
 خدمات برگزیده شما و سندان نمیب شما در امتاز ما ظاهر است ؛ ما ملت شما را
 نادیده و نامساخته و امتحان ناکرده پادشاه خود انتخاب نموده ایم ؛ با که باور ما شما

صغیر کبیر و مرد و زن این ملت آشنا و گرویده بود و گرویده است ما آن همه فدا کاری های تاریخی شمارا که برای این ملت و ملت خود تکراراً و عملاً انبیا فرموده اید و ما بمخاطر داریم. اول وجود، فخرت نمود شما آن نایب فساد منکر را که در عصر اعلی حضرت شهید بظهور الهامیده نزدیک بود که بحکومت اعلی حضرت شهید ساخته بدهد، خاموش و از تدابیر عسکرانه و جذبات ملت خواهانه خوش شیرازه از هم گسیخته امنیت و الضباط سمت جنوبی را تنظیم فرمودید؟ دوم در جهاد استقلال از فضل الهی و همت و فدا کاری اعلی حضرت شما افغانستان بیک حیات پر از افتخار نازم نائل و استقلال و شرف ملی خود را حاصل و شجاعت و مردانه گی خود را در اقطار عالم اعلان کرده است؛ سوم آن مسامی جهیه و خدمات فدا کارانه شما که در راه نجات مملکت و حیات دوباره ملت محبوبتان آن موقع خطرناک انقلاب که تمام افغانستان را آتش جهل و عناق فرا گرفته بود و همه موجودیتش را سیلاب شقاق و خانه جنگی بشرق و فتنه شدید میکرد موجبات مزید امتنان و خوشنودی عامه ملت قدر دانان را از شما فراهم آورده است اعلی حضرت تا این همه خدمات خیلی مهم و تاریخی شما یک یک در انظار فرد فرد ملت شما ایستاده است و تمام ملت افغانستان اعتراف دارند که وجود شما از مفاخر تاریخی ما ملت است دشمنان ما ملت هر قدر مدرا قبل قبول تحریک و تشویق مفسدانه خود بدنیای نشان بدهند و بخواهند ما را در تمام یک حالت بی اراده معرفی کنند لاکن ما بدنیای اعلان میکنیم که ملت افغانستان رفتار و روش عصر گذشته را منافی سعادت دنیا و عقبی خود دیده و واضح و آشکارا برای بطرف کردن آن حالت تباه کن قیام کرد و این حکومت یک و یک را برای خودش تشکیل نموده و الی ماشاء الله باین سلطنت و حکومت بادیانت مدبر و خویشتن

معلیم و فدا کار خواهد بود .

اعلیحضرتنا ! با آنکه ما ملت به شما اعتماد و اتق داشتیم و داریم و انشاءالله خواهیم داشت ؛ لکن ازین حسن نیت و صفای دل اعلیحضرت شما که حقوق مشوره را بما ملت ارزانی فرموده اید و شورای ملی را تشکیل دادید از صمیم دل دعا می کنیم که خدای متعال این مشوره و حکومت و ملت را وسیله ترقی و تعالی اسلام و افغانستان ساخته موجب سعادت دنیا و رستگاری آخرت ما ملت گرداند و بما توفیق ارزانی کند که بتوانیم آن گونه خدمات برگزیده را که دران رضای خالق و سعادت مخلوق اوست ابراز کنیم ما از خدا مسئلت داریم که حکومت و ملت افغانستان را بشاه راه شریعت عمرای محمدی ص آراسته و مستقیم داشته از نفاق و شقاق که موجب خذلان ابدی است دائماً ما را مصون و مأمون دارد ما هیچ زبان شکر این نعمت الهی را ادا کرده نمی توانیم که امروز حضرت رب العزت همه چه شما یک پادشاه حقوق بخشای را بما عنایت فرموده است .

اعلیحضرتنا ! لله الحمد که امروز ما وکلای ملت حکومت و ملت را یک چیز بدانیم و از خدمات جرج سید سردار محمد هاشم خان صدر اعظم و کابینه شان اظهار امتنان مینماییم

در موقعیکه براس کابینه افغانستان این چنین یک ذات حمیده صفات حضور داشته است ملت بکلی مطمئن و آسوده است چنانچه درین ایام صدارت سردار محمد هاشم خان می بینیم در هر طرف تسلط لله الحمد اعزیت است حکام و مأمورین خودبانه حرکت میکنند ظلم و بدعت از میان رفع گردیده افغانستان به سر مایه خود قدم بقدم تلافی مافات میکنند پول بیت المسال بی جا سرف نمی شود هر

باعتبار سیاست خارجی و داخلی اعلیٰ حضرت تنها راهت و سبب ظهور و بروز
 ما ملت از انهم گذشته تا حال اعلیٰ حضرت عجلوا در قبول و فعل خدا صادق و عجل
 ایم و بصدق و بی غشای شما امداد ایم و انیم که عجلوا به خود عجل خود بالاصبر ایم

اعلیٰ حضرت تا اشیای این شخص اید که استقلال خارجی ما ملت را به لطف
 و مهربانی شما بجز همان در عالم اسباب بسر بازی و بدکاری خویش حاصل
 گردید اینها شما را بانی و حامی استقلال خود میدانیم و سیاست خارجی شما را
 برای حفاظت استقلال افغانستان درست و صحیح می شناسیم ا

باید اعلیٰ حضرت تا این طور دیگر خدای تعالی شما را پادشاه ما ملت تا امروز
 که میانی پشتیبان است ما ملت ای ما شادانیم برای امداد شما محنت و عمل و اولاد
 خود حاضر و آماده هستیم شاید با شکر و عجل ملت امداد شما را ملت
 پدر مهربان خود دوست دارید و آفتاب بشاد و برادران طهارت و نایب الله می
 خواهد که در راه سعادت ملت با شما بدکاری کرده و بکند گرفته هستند

بها رجعت من الله است لهم ولو كنت فتما غابط القلب لا تخفون من حولك
فانصب عنهم واستخر لهم وشاورهم في الامر فاذا عزمت فتوكل على الله ان الله
محب للمتوكلين ط

. (الحمد لله على دين الاسلام) قرآن کریم از جانب خداوند رحیم با هدایت
میکنند و راه بهبود و اصلاح جامعه را نشان میدهد و شورای ملی که از معظم ترین
مرازیای اخلاقی و اجتماعی بشمار است و موجب بزرگت از تسلط کلی حکومت
و مانت دیده میشود از شاد میفرماید .

تاریخ يك شاهد قوی و يك عبرتگاه پر انبساط است که هر معینى در آن دیده
و مشاهده میشود هیچ شبه نباید کرد که معینه های تاریخی پر ثبات و روشن
ساخته شده اند میدهد که قوت وسعادت و عمنان ملت های که از وجود شورای
ملی محروم و پائینها شوروی گفته به آن کفایه نمود شورای حقیقی را دارا نبوده

و دین نور و باطن پر خورشید و ماه و ستاره و اسرار آفات جباه و قروح
باشد کدام چیزی نیست که در آنک تر آنی و اسرار نبوی و اسرار تصور شدرج
نشده باشد بدرجه کدین متین ما قواعد عدل و حقوق را امر فرموده در هیچ
یکی از قوانین دنیا این پیمانه علیا وجود ندارد اگر شورای حقیقی اسلام برآ
و اخلاق فاصله و اجرا آن شریعت مطهره در حیطه یک حکومت اسلامی در همه
طبقات از شاه تا گدا حکم فرما شود و احکام دین را مخالف نری همه ری
گمان نکرده بلکه منبع جمیع سعادت های اخروی و دنیوی و اساس همه مدنیت
عصری و اصلاحات کافی بدانند و اصول اسلام را مدار و معیار کار و بار معاد
و معاش خود دانسته باشند نفوس خود را بر پا و کسالت و سفاکت و تنبلی تغیر
ن داده باخلاق جمیده و موالفت و استقامت و فصاحت و عفت و صداقت و خدا جوئی
و حقوق شناسی اصلاح نمایند و هر کس از بهر و صک اهالی و مامورین علماء
و مشایخ و غیره و نظایر خود را شناخته رفتار نمایند یقین است که ذات ارحم الراحمین
قرار آیه کریمه (ان الله لا یغیر ما بقوم حتی یتوبوا و اما بانفسهم) و آیه (و ما کان

ملی در میان ما ملت افغانستان امتیاز یافت و اینک عید بزرگ افغانستان است
 بزرگ نمیدهم و از حضورتان درین مجلس عالی مسرور شدیم و گفته میتوانیم
 صلوات الله علیه حکومت ما با دیانت و صلاحیت است و شورای ما شورای خلق
 اسلامی است از خدای متعال خود امید میکنیم که محفل جلیله شورای از ثمرات
 و اثرات این اسمع عطی و فرط محبت و صدق آنیک ملت افغانستان با عالیحضرت طری
 دیانت، پوست هم وقت بدلهای خود می پروراند از راه حله شریعت مطهره
 خیرالانام هر گونه ترقیات مادی و معنوی کار گرفته شایع آنرا مفهوم مکرر به
 خواص و عوام خواهند نمود .

در حاتم زنده باد اعلیحضرت شریعت خواه ما ، آسوده باد ملت دیانت
 خواه ما ، پاینده باد ریاست شورای ملی و جمیع مصاحبین مملکت اسلامی ما آمین
 یارب العالمین و آخر دعوانا ان الحمد لله رب العالمین .

استقبال از شورای ملی

ز قوم امان سحر بگویشم رسید شور و فغان شورى
 هر طرف ذکر این مساله هر زمان داستان شورى
 هر کسی این مقوله روشن زهرتی این بیان هویدا
 تمام ملت ز روی ارحمت بدین صحت نریبان شورى
 که مرد عصر آفتاب کشور حکیم دوران جهان داس
 یگانه عهد و مادر وقت و شاه تازی و جان شورى

ز روی علم و قرا و دانش بملک کرد این سبیه جاری
 ز نص قرآن و شرح انور بقوم شد توجان شوری
 نمود این شیوه شاه افغان بملک از روی لطف و احسان
 که تا شود پر گل این گلستان ز فیض آب روان شوری
 نصیر ملک و رفاه ملت مسکنون شود انقباض ملت
 ازین سبب خیر خواه ملت بکف سپردش عدان شوری
 بقوم کرد این رویه جاری بملک کرد این طریقه شائع
 ز لطف داد این شایسته حق اندیش بملت خود زبان شوری
 بر اسر این رویه حسن است و پای تاسر تمام خوبی
 نی و اصحاب و پیروانش نموده نیکو بیان شوری
 سعادت ملک گشت طالع چو مهر از صبح این دو شبه
 خدا کند حماکت نمود ز نور بیک احترام شوری
 ازین شرف قوم گشته دلشادارین روش ملک گردد آباد
 نشان امن و صلاح باشد بملک و ملت نشان شوری
 نماید ایدوستان کسی را هرزه جای شکایت از کس
 نماید آسوده ملک و ملت ازین سپس پاسبان شوری
 بحسامه زیر رفیع بنیان بلند شد پایگاه ملت
 بشان او خود کسی چکوبد بلند گردیده شان شوری
 ندا رد این شامه راه روشن کنی در اند از استقامت
 ندید هر گشته کی بعالم رگمهی پیروان شوری

از صلاح و خیرات و ثوابی که درین نیکو مدارا
کلام حق سبک پیغمبر نشانی دهد عز و شرف شوروی
ز صدق مکتب درین رویه سفا جو آینه ساز پیشه
ز و باقی سروکار دارد بهر زمین بوستان شوروی
پسود هرگز زیان نباشد مبارکست این ستوده سودا
نموده اند امتحان ارین پیش چه حاجت است امتحان شوروی
گرش بوند اهل اهل دانش بری را غراس نفس سرگش
قسم بقر آن اگر بینی بملک و دیوات زبان شوروی
که تا شود سرخ روی ملت ز خاق مشکین و خالق رنگین
چو گل بیارابد این و کابلان بر رنگ و بو گلستان شوروی
که تا بساید خجل نشستن ز کرده بد به پیش دهنش
رویه نیک پیش گیرید بخدا پرا دوستان شوروی
مدی کجا مشوره دهد عقل به نیک خواهان اینطریقه
کمی بکجا دل پسند دانش اشیره راستان شوروی
امیب ملت شود الهی صلاح و علم و کمال و دانش
که تا بساقت کنند حاصل شود تا شاگان شوروی
شرافت و علم و عقل و دانش دیانت و صدق و ایم و پیش
رعایت قوم و ملک و ملت سزد بی همه دمن شوروی

ز حق مستنون مسئلت نمایم ملت آئین انسانی
 که تابانند نفاق هرگز میان ایران میان شوروی
 اگر شوی فی المثل زمانی در انتخابی وکیل ملت
 توسی کن تابانام بیکو بسرعتی زمان شوروی
 جو تیر اگر راست رو نباشی ز زور صدق از نشان بداری
 بخیر ملک و رفاه ملت شکستید نتوان گمان شوروی
 کند اگر اهلی از نجابت عنان پس از فرض پرستی
 ره پدی تا باید همایم به پیش ملت مهان شوروی
 ملت از پند انتظاری نمود روی این بگو حوائل
 عربز دارند ای عزیزان محسان و دل مهان شوروی
 بقدر احساس خویش هر کس کند هر چیز قدانی
 بیال رحونش ز عسرب اگر تویی و در دای شوروی
 بشکر این محفل مسارك مذوق این خیر ملک و ملت
 سزد که مستمی این قصیده روان کند از معان شوروی

* * * * *

افتتاح شد به همه وجد و مسرت شوراء

حار عم از گل امید جدا می بینم رنگت و بوی شرف و سرو علامی بینم
 موج رن در همه سو آب بقای بینم در گلستان وطن تاره هوای بینم
 خاطر ملت خود شهادت و صفای بینم
 این همه از اثر لطف خدا می بینم

با لیا کای خود پیش به بشای پیغم

بیست و نهم که ز امیداه وطن بود تپاه روز فیروز بتو از شبه بدای دریاه
روح ما مظلومین و دینده به نام سینه به آه که زیر اثر غیر گسی تفرقه خواه

مصر فرخنده ما بود چو یوسف در جاه

ای وطن مسکارتو امروز صفای پیغم

کشور مستقل ای صدر هر گونه اهل هست در جویو گرانی شو فرخنده اهل
کام شیرین تولا ثیق نبود در حنظل ای وطن همدی در نظر جمله ملل

کرده تقدیر تو با عزت و شان اهل دول

جان من قدر تو در نشو و نما می پیغم

ملت از نهر به در کار خود هوشیار شده خائن و صادق این ملک نمودار شده
قدر سر بار وطن پیش ز بسبار شده نرود خواب دگر مردم بیدار شده

از تجارب درو دیوار پر انوار شده

این همه از اثر فکسر رسای پیغم

قول گردید بمیدان عمل جلوه کنان خاطر عاشق اسلام و وطن شد همدان
آنکه در حب وطن داده همیشه سرو جان ناجی و حامی ما (مادر) نسل احسان

مجلس ملی شورا بکشود از احسان

گفت این را به همه درد دوا می پیغم

افتتاح شد به همه وجد و همت شورا حق مشروعه ملت بکرم گشت عطا
 نرسد هیچ دگر درد و غم دهر بسا یافت نیروی جمیع این وطن از فضل خدا

ای مسرت بتو مشغول علوم یابدعا

حال آیشده شکستور بنیای می بینم

بغ نج ای ملت خوش قسمت باغیرت ما گشت مخموم دم تهرقه و فقرت ما
 شاد باشد و طن از سلسله اخوت ما شکوه بازگردد کمر از سایه جمعیت ما

بدرخنده جهان کوه کوه عزت ما

که من ایستاده بیچون و چرا می بینم

بی تحویل بدین نعمت عظمای ایحسان جوی خون کرده بهر جا مال غیر روان
 مار لطف شده نمغوار خودای هموطنان بگرفتم چنین مفت بکم نقد روان

شاد بادا شده دانسته ما در دو جهان

که وطن از تو مشرف بعلا می بینم

هرس نهیت این نعمت عظمای وطن با همه شوق و طرب باد بایسای وطن
 چشم رخی نرسد باقد رعناای وطن باد حاصل همه ده کام و تمنای وطن

ازیم مرحت خسرو والای وطن

که من او را بوطن عقده کشا می بینم

عصر دایت ما دور سعادت بادا دیده روشن برح اهل صداوت بادا
 سر ما بسته هتراك اخوت بادا مملکت در شرف عزت و رفعت بادا

دور از دامن ما گرد مذلت بادا

بوطن این شرف از صدق و صفای بینم

چشم امید همه سوی شما می بینم
 ای پسران و عشق تو در راه وطن باد زیاد نکستی هیچ دیگر از غم ملت مراد
 میشود این در وطن از لعل الهی آید تا ما من بک (نادر) غاری اتحاد
 آنکه فرمود وطن را راسارت آزاد
 ذات او را رحمان خدا می بینم
 - -

[شوراء و بشر]

مختارین مرتبه انسان را بر او کننده گی کار و بیچاره گی ذنگ آمده ، عمرش را
 به پیشگاه روح شاهدشاهیت هم نمود ، تا که اطلاعات آنچه به اثر روی بک اساس
 صحیح و بک دیگر درستی حریا نایه ، خاطر مشوشش را از محو و بکاران داخلی
 و خارجی مطابقت و آسوده اسارد و مامون و معشون بود ، خاطر حق تمام قدم
 محاده علم و ترقی نگهدارد و این سعی صحیح انسان بود .
 اگرچه انسان در اول وهله از کج و پیچهای بی سنگ ن آید ، خو
 گردیده دست انجاس بدامان امارت و سروای و دلی دادند در آن نایه
 غلط فکر کرده بود در آن امارت ، مشورت و ابدال محه نماید و شد
 یزانی و معاهدان که می باید ، گمان و حاکم اس کله ایت (احمد) می
 مع الاسف گر گهای درنده کشند و بخوردن گوشت و چوشان خو

(۴۳)

شود مصروف و مشغول گردیدند .

بواسطه همین غلط کارهای شاهان خود سر سرمایه داری از جای خود تجاوز نمود و عدل و انصاف محور و اعتدال مدار بود . خون جگر غربا بصورت لعل گران بها آرایش گوش و گردن ایشان گردید ، چونکه جمهوریت سابق بی اصول و اساس بود ، از آن رو انسان تار و پودش را ، باقی خانه منکبوت از هم گسیخت ولی اصول شاهنشاهی را که قدم دوپهی بی انسان بود نسبت بسابق بطور صحیح تری تاسیس نمود ، و آن سلاسل را رود بازوی خود از هم گسیخته نتوانست باز انسان بیچاره با کعالم درماید که باطراف و حوالی می نگریست اما متأسفانه درمان و علاجش را نمی یافت ؛ هرچند که ناله و فریاد می زد اما هر قدریکه آه و بیکار میکرد ، و هر پیمازه که می جویید و می طلبید هیچیک فایده را نداشت ، و راحتی باو می بخشید بالعکس چندانکه می طلبید همانقدر گره هایش مستحکم شده میرفت ؛ و حلقه های آن در بازوانش فرو می نشست ؛ این اشرف مخلوق و این احسن تفویم بر سر شلاقهای فرعون و تحت فشار شکنجه های طاغوتی شاهان مشید بوده اسیر دست جلالت الملکان ، با این محروح و استخوان شکسته ناله و شیون گران امیران حیات داشتند ؛

ناگهان غیرت لم یرلی محوش در آمد و از وادی بطحا يك روح بیتاب برچین بالا شده مانند برق جمید و بسینه این ظلمت مستولیه فرورفته پرده کابوس بی سگی عالم را به تیغ نورانی خود از هم درید .

این انقلاب سومین عالم بود که : حوش محتاه کسب موفقیت کرد و معروفین گرداب مظالم و توخس را محانت بخشید و انسان بیچاره را که بدست خود مفلول و مفلوج گردیده بود از خار راز خود غرسی و هس برستی يك جنبش خویش

تعالیه خلقی بخواند که آن زمان بعد هزار آرایش دنیا را می‌شیراند .
مفسران از بیچنگی برین اصولی افراط جمهوری و از حقیق لا اله الا الله
نهیستند بیرون براننده هر سازه يك شخصیت واحد مسکله و مشورین
و تلاوتی قوم که مردم برایش روحیات تازه می‌آوردند به شمیم روح پرور
اعتدال و سلامت روی هر لحظه خود را بیان هر دوس جهت دیدند .
انسان شروع بخدمت عالم انسانیت و نشر تهذیب نمود اسم مبارک این ملامت
روی را مقابل آن دو اصول منحوس سابقه « اسلام » گفتند .
اسلام بحاس شورای ملی را تاسیس نموده جمله حقوق انسانی را بر اهل عالم
تفویض فرمود ثابت کرد که پراکندگی جمعیت موجب احتیال افکار افراد است
شده نمی‌تواند - ضیق و فشار شهینشاهیت باعث سنگ‌السا بن است چه آنچه این تعام
اسلام انسانها را انسان مکمل ساخت .
این اجاره داری تهذیب و تمدن ، این پادشاهان و ملکه‌های مشورت که امروز
دنیای عرب اینقدر بآن می‌نارد از خوشه چینی همین مجلس شورا ای اسلام است .
برای اینکه يك ملت از هر گونه ضرورت و احتیاج فارغ باشد ، نباید کسی
خود را برای هر گونه مصلحت میداند پس حکومت خود را رساند تا هر نوع
خود فراغت خاطر و اطمینان کامل حاصل نموده قدم محاذ ارتقا و انزلا گذارد .

بنابرین فریضه ازگان هوری است که طادات و خصائل حمینه را در ملت تعمیم
و لشکر ملت را بحکومت و از حکومت را به ملت بصورت مفید و راسخ ترجیحی
کنند و سعی بکار برند تا ضرر مضرات بتدریج کم و دامن قوم از آلا یشات پاک
شده برود .

وقتیکه تاریخ کدام قوم را ترقی یافته میگوید مافی العور میدانیم که آن ملت
مالک تمدنی هم بود و این تمدن نتیجه یک ماضی طویل میباشد که از روی ادبیات
و تمدن ادباً و معارف پرورانی که آنها را ملوک و ملت باغوش خود پرورش داده
است معلوم میشود . وجود هیچ اثرها طبعاً این امر را ثابت میکند که آن ملت
بنوبه اش دارای یک ماضی قدیم و تمدن باساروی بوده است .

از تاریخ تمدن ملت نجیب افغان واضح میشود که برخلاف اکثر ملل عالم
این ملت سرداران قوم و خوانین قبائل خود را ارشورت خود مستفید مینمودند
و این رویه را جرکه می نامیدند . گویا همین جرکه در امانستان حاکم مجلس
شوری را داشت .

وقتیکه حیات سلطان (سرکرده قوم ابدالی) در عالم از خود رفته گئی باحاکم
قندهار (که از جانب سلطنت فارس مقرر بود) یک وعده تامتقول نموده و متعاقباً
بهوش آمده ، مژگن را حس کرد ، جمله اعیان و اشراف قوم خود را در یک
مجلس مشاورت بهم خواست تا نتیجه کار بمشوره دولت خان ابدالی حسب
خواهش قوم بروی کار آمده بر فارسین غیرت و نجابت افغانها پدیدار گردید .
بعد قتل مادر شاه افشار همین مجلس مشورت بود که اعلیحضرت احمد شاه
درانی را جهت حکمرانی برگزیده اساس سلطنت افغانه را محکم و مستقل
ساخت و ملت خود را بتاریخ ملل روشناس گردانید .

المجلس في شهر ربيع الثاني سنة ١٣٠٤ هـ في اول الاجتماعات
 القريبه و بموجب قراره بانضمام بعض اعضاء
 موثقي لوزراء شوراي ملي، تعليم كرده شد بر تعداد اصول دائمي ادخال
 و الا از طرف مجلس مذکور تمديد يا ترديد مي شود .

١٧- مجلس شوراي ملي براي تحقيق و فهمه مسائل مهمه در هنگام تعطيل هم
 دائر شده مي تواند ، و هر گاه بجهت فون مسئله مبعوث عنها فرصت اجتناب
 صوم ممكن نشود تنها بحضور وكلاي مركز و قريب آن مجلس شوراي ملي
 انعقاد مي يابد .

١٨- وقتي بمذاكرات آغاز مي شود كه اقلأ ماصه اعضاء حضور داشته باشند
 و بصله مقررات آن هم باسناد اتفاق يا اكثريت آراست .

١٩- مجلس شوراي ملي در موقع افتتاح هميك ار ادوار خود خطابت به پادشاه
 پادشاهي عرض و تبين داده و از طرف قريب الشري هميوي بجا مي برگردد .

٢٠- ابتدا اعضاء شامله مجلس بترتيب مذبه سو گد ياد مي نمايند و قسم
 نامه را امضاء مي كنند .

(قسم نامه)

۱۱ :- ما اعضا کتندگان ذیل از جهة اعتقادیکه ملت و حکومت بر ما موده بخداوند عظیم و قرآن کریم سوگند مینمائیم که برای ملت و حکومت خود صادق خواهیم بود .

۱۲ :- اعضای مجلس شورای ملی در اظهار رای در مجلس شورا محضور جمیع و کلاه آراد و از هر گونه اعتراض مصنونند .

۱۳ :- کاتبه مذاکرات مجلس شورای ملی سباعتیکه نتیجه آن بمنصه اجرا گذارده میشود عالی است نماینده گان جراند و نماینده کسده گان در تحت بودات اصول نامه داخلی مجلس تنها حق حضور و استماع مذاکره را دارند .

.....

(وظائف)

۱۴ :- مجلس شورای ملی امورات داخلی خود را مثل انتخاب رئیس اول و ثانی و هیئت تحریر و سائر اجزا و اصول مذاکرات و شعبات و غیره براساس اصول نامه داخلی و دواتر خواهد کرد .

۱۵ :- کلیه اصولات و سوابطیکه وضع موجودیت آن برای تشدید مبانی حکومت و انتظام امور مملکتی باشد تصویب مجلس شورای ملی میسرند .

۱۶ :- تسویه امورات مالی رد یا قبول عوارض و فروعات و هم مجریه های جدیده که دولت اقدام نماید تصویب مجلس خواهد بود .

۱۷ :- ملاحظه ، بودجه مملکت بعد از ترتیب و پیشهاد وزارت مالیه از وظائف شورای ملی است :

که باید از طرف شورای ملی خواهد شد .

۲۱- عقد مقاولات و عیالکات اعصابی املازات (المحصار) اعم از تجارت و صنعت

و فلاحتی و غیره خواه از طرف داخله باشد یا خارجه به تصویب مجلس

شورای ملی می رسد .

۲۲- استقرائش دولتی اعم از اینکه از داخله یا خارجه ، هر عنوان و اسم باشد

به اطلاع و تصویب مجلس شورای ملی کرده خواهد شد .

۲۳- تمدید خط آهن و شوسه پول دولت و با خرج شرکت و کپانیهای داخلی

یا خارجه باشد تماماً و ابسته به تصویب مجلس شورای ملی است .

۲۴- مجلس شورای ملی حق دارد که در اوقات لازمه عریضه به پیشگاه همایون

تقدیم دهد .

اما تقدیم این عریضه در حال متوسطه هبتی مرکب از رئیس و شش نفر

اعضا که سایر طغیان از بین خود انتخاب میکند خواهد بود و وقت

شرعیانی حضور هم اولاً توسط وزارت دربار استیذان می شود .

۲۵- و درای استماع مذاکرات در جلسات مجلس شورای ملی حضور هم

رسانده می تواند و نیز حتم دارند که در صورت لزوم باستحاره رئیس مجلس

رای مذاکره و تدقیقات امور توضیحات بدهد در مجلس رای حضور

وزراء موصح معیده میباشد .

۲۵ :- هرگونه قوانین جدیدی که بوضع آن احتیاج حس شود از طرف و ...
 مجری و انشاء گردیده توسط وزراء یا صدر اعظم به مجلس شورای ...
 اظهار شود و بعد از تصویب مجلس بصحبه پادشاهی مزین گشته قابل المصلحت
 میگردد .

۲۶ :- لزوماً رئیس مجلس می تواند که شخصاً یا به پست یا از طرف از اعضای مجلس
 و از وزیری بدون حضور ایشان کن در آنند و معاینه کننده آن اجلاس بحرمانه
 تشکیل دهد و نیز میتواند انجمن بحرمانه مرکب از یک یا دو منتخبین از اعضای
 مجلس که از سوی سائر مجلس حق دخول در آن بداشه باشند ترتیب نمایند
 مگر نتیجه انجمن یا اجلاس بحرمانه وقتی مری خواهد بود که در هر دو
 صورت مسئله بمسئول آنها بحضور سه ربع از منتخبین مطرح مذاکره شده
 و با کفایت را قبول نماید باشد در صورتیکه در انجمن بحرمانه قبول نشود
 در مجلس عنوان نخواهد شد و مسکوت عنه خواهد ماند .

۲۷ :- در صورتیکه مجلس بحرمانه نخواهد رئیس دائر شده باشد اگر از مذاکرات
 را تا ایزه مناسب به اطلاع عموم برساند اعتبار دارد اما اگر تشکیل
 مجلس به اعضای وزیری بوده است در آنصورت افشای مذاکرات هم
 وابسته به اجازه خود وزیر خواهد بود .

۲۸ :- وزراء مطالب اظهار نموده گئی خود را ولو هر قدر بروی مباحثه شده باشد
 حق دارند که از مجلس مسترد کنند اما اگر اظهار ایشان بخواهد مجلس
 بوده است برای استرداد مطالب موافقت مجلس هم شرط است .

۲۹ :- اگر لایحه اظهار نمودگی وزیری را مجلس قبول ننماید با ملاحظاتی خود
 عودت خواهد داد این لایحه وقتی بمجلس تأیید اظهار خواهد شد که وزیر

(عنوان مطلب از طرف مجلس)

۳۱ :- هر يك از مطالبی كه از طرف اعضای مجلس عنوان میشود آتوقت قبل
 مذاکره خواهد بود كه اقلاً ربع اعضای مذاکره مطلب مدكور را
 تصویب بدارند درین صورت عنوان مذکور كتباً به رئیس مجلس تقدیم
 می شود و اگر رئیس مجلس آن لایحه را بدو در انجمن تحقیق بحث بدین
 بگیرد می تواند .

۳۲ :- یکمده از اعضای شورای ملی ، كه با تمام مامور و تصویب رئیس
 شورامشغف و نظریه میشود نام (انجمن تحقیق) - بهشهای انجمن
 مسائل وارده شورا را بدقت محومه اخذ و با انجمن را
 همراه يك لایحه نظریه خود ها رئیس مجلس پیش بردارد ، و با رئیس
 مطرح مذاکره می شود .

و موادیکه اكمال خواهد یافتند در مجلس در یک ماه تا آن ماده
 آن از طرف رئیس وزارت مسوولش مامور می شود . و در انجمن
 تحقیق اقلاً ده مرتبه خواهد بود .

۳۱: مطالبیکه نظر باصل ۳۱ در مجلس عنوان می‌شود اگر متعلق بیکي از وزراء باشد ، در وقت مذاکره و تدقیق لایحه مذکوره چه در انجمن تحقیق و یا در مجلس باید بود ، و متعلقه اش خیر داده شود که شخصاً خودش حاضر شود و یا معین خود را بفرستد و يك نقل لایحه و ضوابط آنرا باید مجلس قبل از احضار و یا معین برای مسبقیت شان ارده الی پاره روز باستانی مطالب ضروری وزارت مسوده رسال دارد .

۳۲: در صورتیکه وزیر بنا بر کدام مصلحتی ، در مطالب معون از طرف مجلس موافقت نتواند ، لازم است معاذیر خودش را موجهه تصریح ، و مجلس را قانع بسازد .

۳۳: در بریک مجلس شورای ملی اردی توضیحات نطلبند ، از جواب ما گذر و مسئول است ردون عدم موجهه و علاوه از اقتضا شعوبتی و تاخیر جواب هم محاز نیست - الا در صورتیکه مطالب محرمانه - و در احتیای آن برای يك مدت صلاح ما - و در ذات باشد اما بعد - موعده معینه بار بار ، مطلب مذکور محضور مجلس مکاتب است .

۳۴: مصوبات و قرارهای مجلس شورا بالعموم بعد از امضای ذات شاهانه در موقع اجرا گذارده می‌شود .

اجراء و انشاء مواد فوق الذکر را امر و اراده میکنم . یوم شنبه (۲۷)

رج سرطان (۱۳۱۰) مطابق سوم ربیع الاول ۱۳۵۰ هـ

(شمل مهر اعلی حضرت عماد بادشاه غازی)



میدان	۹ -	محمد خان
سینک کپره	۱۰ -	عبدالغفور بیگ
بابان	۱۱ -	سید محمد علی جوی خان
مرکز حکومت کلان شمالی	۱۲ -	عبد الستار خان
حکومتی نجرب	۱۳ -	غلام حیدر خان
رزا کوهستان	۱۴ -	عبدلرؤف خان
بخیر	۱۵ -	حاجی ابشاحی خان
نور بند	۱۶ -	فقیر محمد خان
جبل السراج	۱۷ -	میرزا عبدالغفور خان
کوه دامن	۱۸ -	سید احمد خان
حکومتی کلان غربی و علاقه	۱۹ -	شهاب الدین خان
مربوطه آن		

موضوع انتخاب	ولایت	اسم	نمبر
حکومتی مقرر	کابل	جناب امین الله خان	۱۸ -
جاغوری	»	نادر عایخان	۱۹ -
سرمنشی حکومت کلان	»	سید غلام رضا خان	۲۰ -
دایرگی و دایرگندی			
»	»	میر محمد علی خان	۲۱ -
»	»	سید شاه میرزا حسینجان	۲۲ -
»	»	حبیب الله خان	۲۳ -
سرکز حکومتی سرخ و پارسا	»	محمد سرورخان	۲۴ -
وکیل سرکز قندهار	قندهار	عبدالعزیز خان	۲۵ -
علاقه داریهای مربوطه سرکز	»	عبدالاحمد سن	۲۶ -
حکومتی کشک نخود	»	نظار محمد خان	۲۷ -
قلات	»	محمد شریف خان	۲۸ -
گرمسیر	»	حاجی عبدالعزیز خان	۲۹ -
کدنی	»	محمد شاه نغان	۳۰ -
دهراؤد	»	پارتنه خان	۳۱ -
تیرین	»	داد محمد خان	۳۲ -
دهله	»	حاجی محمد عثمانخان	۳۳ -
ترنگ و جلدک	»	غلام دستگیر خان	۳۴ -
ارغستان	»	احمد شاه خان	۳۵ -

۳۳۹ -	محمد باقر خان	د	د	د	د	د	د	د	د
۳۴۰ -	میرزا محمد آیداد خان	د	د	د	د	د	د	د	د
۳۴۱ -	میرزا محمد آیداد خان	د	د	د	د	د	د	د	د
۳۴۲ -	میرزا محمد آیداد خان	د	د	د	د	د	د	د	د
۳۴۳ -	میرزا محمد آیداد خان	د	د	د	د	د	د	د	د
۳۴۴ -	میرزا محمد آیداد خان	د	د	د	د	د	د	د	د
۳۴۵ -	میرزا محمد آیداد خان	د	د	د	د	د	د	د	د
۳۴۶ -	میرزا محمد آیداد خان	د	د	د	د	د	د	د	د
۳۴۷ -	میرزا محمد آیداد خان	د	د	د	د	د	د	د	د
۳۴۸ -	میرزا محمد آیداد خان	د	د	د	د	د	د	د	د
۳۴۹ -	میرزا محمد آیداد خان	د	د	د	د	د	د	د	د
۳۵۰ -	میرزا محمد آیداد خان	د	د	د	د	د	د	د	د
۳۵۱ -	میرزا محمد آیداد خان	د	د	د	د	د	د	د	د
۳۵۲ -	میرزا محمد آیداد خان	د	د	د	د	د	د	د	د